

تبیین فقهی احکام ولادت و آثار آن با محوریت نظرات آیت الله نجفی (صاحب جواهر)

محدثه معین السادات^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳^۱ طلبه سطح چهار (دکتری)، رشته فقه خانواده، مدرسه عالی تخصصی ریحانه النبی (سلام الله علیها)^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

دین اسلام به مسأله ازدواج و اهداف آن اهمیت فراوانی داده است، که یکی از هدفهای ازدواج بقاء نسل و فرزندآوری است و در این خصوص، تربیت فرزند هم امر مهمی است که به میزان آگاهی والدین از نکات و دستوراتی که در تربیت او نقش دارند بستگی دارد؛ لذا با توجه به فطرت پاکي که مولود دارد، چنانچه در قرآن هم آمده است، «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (سوره روم/ ۳۰)» پس روی خود را متوجه آیین خالص توحید کن، همان فطرت و سرشتی که خداوند متعال از ابتدا مردم را بر آن آفریده و این آفرینش است که نباید تبدیل و تغییری در آن راه یابد». همچنین در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَإِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيَنْصَرَانِهِ وَيَمَجْسَانِهِ (عده الداعی و نجاح الساعی/ ج ۱ ص ۳۳۲) هر نوزادی براساس فطرت توحیدی متولد می شود، این پدر و مادرا هستند که وی را یهودی، یا مسیحی و یا مجوسی بارمی آورند». احکام و دستوراتی را در باره مقدمات و مراقبت های قبل از بارداری، حین بارداری و بعد از تولد نوزاد، تا زمانی که بزرگ شود، قرار داده است و در همین راستا برنامه ها و توصیه هایی دارد که همه در جسم و شخصیت روحی مولود تأثیر به سزایی دارد؛ از جمله مواردی که سفارش شده، احکام ولادت است که از بدو تولد فرزند والدین را به انجام آنها موظف و یا ارشاد می کند و در قسمتها و بابهای مختلف فقه به تناسب، فقههای متقدم و متأخر آن را تبیین نمودند؛ صاحب جواهر هم این مطلب را در قسم دوم احکام اولاد تحت عنوان احکام ولادت بیان نمودند، که در این تحقیق به آن احکام پرداخته می شود، و اینکه احکام ولادت مشمول حکم تکلیفی قرار می گیرد یا حکم وضعی هم دربردارد، بررسی می شود، تا احکامی که می تواند در انجام وظایف به نحو صحیح مؤثر باشد مشخص گردد و والدین بدانند تا در خصوص ولادت فرزند چه مسائلی باید رعایت شود، تا از همان ابتدای امر، تربیت فرزند توأم با دستورات الهی صورت گیرد؛ لذا سعی شده در این تحقیق با ذکر نظرات و ادله صاحب جواهر، به نظرات فقههای دیگرهم اشاره شود، این مسأله در علوم فقهی و حقوقی و اجتماعی قابل بررسی است، که در این تحقیق از نظر فقهی بررسی می گردد.

واژه های کلیدی: تبیین فقهی، احکام ولادت، مولود، غسل مولود، تحنیک، صاحب جواهر.

مقدمه

«رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران/۳۸)

پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک و پاکیزه (شایسته) به من عطا کن، به یقین تو شنوای دعایی.»

خداوند با آفرینش انسان، برنامه زندگی هم برای او تدوین نمود که در قرآن آمده است و توسط پیامبران بیان شده است. برای هر مرحله از زندگی بشر مسائل و برنامه هایی قرار داده است، از جمله آنها برای ادامه حیات، ازدواج را بنا نهاد، تا در پی آن با طلب فرزند که یکی از مهمترین اهداف ازدواج است، نسل انسان ادامه یابد.

در این خصوص برای هر مرحله از رشد فرزند و تربیت او برنامه ای خاص گذاشت و اهمیت ویژه ای داد. این برنامه شامل دقت درانتخاب همسر مناسب و مراقبت های زوجین در مقدمات ازدواج و بعد از آن می باشد. از این رو توصیه هایی برای داشتن فرزندی صالح دارد که بعضی اخلاقی و بعضی تکلیفی اند، چرا که تربیت انسان ها کار پیچیده و دشواری است و تنها باید توکل بر خدا کرد و از شیوه هایی که از سوی دین اسلام توسط انبیاء و اولیاء (صلوات الله علیهم اجمعین)، بیان شده بهره برد. همچنین از تجربیات و عملکرد انسان هایی که در این امر مهم یعنی تربیت فرزند تربیت موفق بوده اند کمک گرفت. در مرحله فرزندآوری، حتی قبل از انعقاد نطفه توجهات و نکاتی را گوشزد می کند و برای دوران بارداری و پس از آن نیز دستوراتی دارد.

در سیره معصومین علیهم السلام، آداب و سننی است که مخصوص هفت روز اول تولد فرزند می باشد و می تواند بستری مناسب برای تربیت فرزند باشد. هرچند ممکن است نقش بعضی از آنها در تربیت روشن نباشد. به هر کیفیت در تربیت فرزند مؤثر خواهد بود و در واقع مراحل بعدی رشد و تربیت وی را فراهم می سازد. در این مقاله به مسائل و احکام ولادت، از حین ولادت و سنت هایی که در رابطه با ولادت فرزند باید رعایت شود پرداخته و نظرات فقها با توجه و محوریت نظر صاحب جواهر بررسی می شود.

با عنایت به اهمیت فرزندداری و تربیت صحیح برای داشتن جامعه ای هدفمند نیاز به دانستن مراحل پیدایش و رشد و عوامل مؤثر در رشد فرزند وجود دارد. در این زمینه پژوهش هایی صورت گرفته است که به اختصار به این موضوع اشاره کردند و بیشتر در قالب فتوا، احکام مربوطه را بیان کردند. در این تحقیق به تفصیل با بیان روایات به این مطلب پرداخته می شود و سعی بر آن است که مسائل واضح و روشن تبیین گردد. بنابراین به هفت سنتی که در ولادت فرزند باید رعایت شود و ادله آنها با محور قراردادن سخن صاحب جواهر در کتاب جواهر الکلام مورد بررسی قرار می گیرد و به آثار برخی سنن می پردازد. لازم به ذکر است، به دلیل اهمیت رعایت مسائل و احکام و تأثیری که در رشد فرزند دارند، هر چه از ابتدا به این آداب و سنن اسلامی توجه و دقت بیشتری شود، در ادامه بهتر می توان نتیجه گرفت، لذا پرداختن به مسائل اولیه دارای اهمیت و ضروری است.

۱. تبیین فقهی احکام و سنت های ولادت

دین اسلام در رابطه با مولود یا همان فرزندی که خداوند به والدین می دهد، احکام و دستوراتی داده است که فقها در بابهای طهارت، تجارت، حج، نکاح، قرض، هبه، وقف، ارث، شهادت، حدود، قصاص و دیات بیاناتی فرموده اند. احکام ولادت مربوط به

زمان و روز هفتم تولد نوزاد است. صاحب جواهر (ره) در مبحث احکام اولاد، احکام ولادت را بیان کردند. ایشان در باره احکام ولادت قائلند که آداب و سنی وجود دارد که برخی از این آداب واجب و برخی دیگر مستحب اند، که به این ترتیب می باشند.

۱-۱ احکام و سنت های واجب هنگام تولد نوزاد

۱-۱-۱ حضور زنان هنگام ولادت نوزاد

صاحب جواهر در این باره در جواهر الکلام می فرماید: از سنت های واجب این است که در موقع ولادت با زن باردار تنها زنان می توانند باشند و مردها نمی توانند حضور داشته باشند مگر زنان نباشند. ایشان می فرمایند که بین فقها هم در این زمینه هیچ اختلافی وجود ندارد. وجوب حضور زنان برای این است که، به حال زن باردار با خبر شوند و به او کمک کنند، و این وجوب هم کفایی است، زیرا حفظ نفس محترمه واجب است. بنابراین زنان باید حضور داشته باشند تا زن باردار از بین نرود و از جمله حفظ نفس محترمه، وجوب حضور زنان برای کمک به زن باردار است. تنها دلیل حضور زنان برای کمک به زن باردار اجماع فقها است. بعضی گفتند به دلیل ملازمه، حتی مردان محرم هم نباید باشند، چون نگاه به عورت زن، لمس آن، شنیدن صدای او بر آنها و مانند آن حرام است. چه بسا حضور آنان به خاطر حیای زن، منجر به از بین رفتن زن یا بچه شود. و اما شهادت زنان به تنهایی در مورد زنده به دنیا آمدن بچه و ولادت و استهلال و مانند آن، کفایت می کند. استهلال را می توان به معنی علائم زنده بودن بچه یعنی صدای گریه بچه دانست و یا به معنی رؤیت هلال دانست، زیرا در این مورد هم شهادت زنان به تنهایی پذیرفته می شود. در روایات هم کفایت حضور زنان هنگام ولادت آمده است. از جمله روایاتی که آنه عن به آنها استناد شده است.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ تَجُوزُ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَكَانَ عَلَى (ع) يَقُولُ لَا أُجِيزُهَا فِي الطَّلَاقِ قُلْتُ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ مَعَ الرَّجُلِ فِي الدِّينِ قَالَ نَعَمْ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ الْقَابِلَةِ فِي الْوِلَادَةِ. قَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ الْوَاحِدَةِ وَ قَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْمَنْفُوسِ وَ الْعُذْرَةِ وَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَهُ يُحَدِّثُ أَنَّ أَبَاهُ أَخْبَرَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَجَّازَ شَهَادَةَ النِّسَاءِ فِي الدِّينِ مَعَ يَمِينِ الطَّالِبِ يَحْلِفُ بِاللَّهِ أَنْ حَقَّهُ لِحَقِّ (وسایل الشیعه، ج ۲۷، باب ۲۴، ص ۳۵۱، ح ۲)؛

راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره شهادت زنان در نکاح سؤال شد. حضرت فرمودند: اگر با آنها مردی باشد جایز است و شهادت آنان پذیرفته می شود. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: شهادت زن در طلاق جایز نیست. گفتیم: آیا در دین شهادت زنان با مردان جایز است؟ فرمودند: بله و سؤال کردم، در مورد شهادت قابله در ولادت چطور؟ فرمودند: شهادت یک زن به تنهایی جایز است و شهادت زنان در ولادت بچه و بکارت جایز است و پذیرفته می شود. در این روایت موارد شهادت زنان بیان شده است.

همچنین روایت: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ: شَهَادَةُ الْقَابِلَةِ جَائِزَةٌ عَلَى أَنَّهُ اسْتَهْلَ أَوْ بَرَزَ مِيتًا إِذَا سُئِلَ عَنْهَا فَعَدِلْتُ (همان، ص ۳۶۲، ح ۳۸)؛

راوی از امام باقر علیه السلام می گوید که ایشان فرمودند: شهادت قابله برای زنده یا مرده به دنیا آمدن بچه جایز است، وقتی از او در مورد اینکه زنده بودن یا مرده بودن بچه، کدام زودتر بوده، سؤال شد، باید عادلانه و درست جواب دهد.

شهادت زنها به تنهایی (بدون مرد) در چند مورد پذیرفته می شود، یکی در ولادت بچه است که شهادت دهند بچه برای زن است و یا اینکه بچه زنده به دنیا آمده است»

و روایت دیگر، «تَجَوُّزُ شَهَادَةِ إِمْرَأَتَيْنِ فِي اسْتِهْلَالِ (همان، ح ۴۱)؛

شهادت دو زن در زنده به دنیا آمدن بچه جایز است و پذیرفته می شود».

۲-۱-۱. موارد جواز حضور مردان هنگام تولد نوزاد

در صورتی که از زنان کسی نباشد که نیاز زن باردار را برطرف کند و در به دنیا آوردن بچه کمک کند، بر مردان واجب می شود که حضور داشته باشند. البته محارم زن در این امر مقدم هستند و برای بعضی مانند شوهر واجب است، که البته این وجوب خالی از اشکال نیست و اختصاص به محارم ندارد، بلکه احتمال دارد که اجنبی، در صورت امکان، محرم شود، البته اقوی خلاف این است چون گاه ایجاد محرمت امکان ندارد. اختصاص نداشتن وجوب به محارم برای دلیلی است که دلالت بر وجوب حفظ نفس محترمه می کند، که در این صورت ترجیح با غیر است و موجب مباح شدن ممنوعات می شود، که هنگام ضرورت ها، جواز لمس پزشک و نگاه به عورت را اقتضاء می کند. بلکه چه بسا بر اطلاق عدم جواز کمک مردان، مناقشه شود، یعنی اطلاق به این معنی است که، زنان به تنهایی باشند و عدم جواز مساعدت مردان به خاطر نبودن دلیل بر آن باشد و آن وقتی است که مساعدت مستلزم اطلاع بر عورت نباشد. بنابر این آنچه اشاره کردیم، قابل دفاع است. پس برای زوج اشکالی وجود ندارد، گر چه زنان هم باشند، چون هیچ منعی برای زوج نیست و در این مورد بین فقها نظر مخالفی وجود ندارد. روایات هم بر این مطلب دلالت دارند.

همچنین روایت: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا حَضَرَتْ وَلَدَةُ الْمَرْأَةِ قَالَ أَخْرِجُوا مَنْ فِي الْبَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ لَأَتَكُونُ أَوَّلَ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَةِ (همان، ج ۲۱، باب ۱۸ ص ۳۸۵، ح ۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: امام علی بن الحسین علیهما السلام وقت ولادت فرزندش حاضر شد و فرمود: هر کسی از زنان در خانه است خارج شوند، تا اول نگاه کننده به عورتش (زن عورت زوج است) نباشند. با توجه به نیاز زن برای کمک در امر به دنیا آوردن مولود، این حکم عجیب مخالف با سیره و فتاوی و غیر آن از نصوص و روایات است».

ایشان به روایات دیگری هم استناد کردند: از جمله این روایات،

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الْمَوْلُودِ قَالَ يُسَمَّى فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ وَيَعْقُّ عَنْهُ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ وَيُتَصَدَّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ فِضَّةً وَيُبْعَثُ إِلَى الْقَابِلَةِ بِالرَّجُلِ مَعَ الْوَرَكِ وَيُطْعَمُ مِنْهُ وَيُتَصَدَّقُ (وسائل ج ۲۱، باب ۴۴، ص ۴۱۹، حدیث ۱)؛

امام صادق علیه السلام در مورد مولود فرمودند: در روز هفتم نامگذاری می کنند و برای او عقیقه می کنند و سرش را می تراشند و به وزن مویش نقره صدقه می دهند و ران عقیقه را به قابله می دهند و اطعام و صدقه می دهند»

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) الصَّبِيُّ يَعْقُّ عَنْهُ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ وَهُوَ ابْنُ سَبْعَةِ أَيَّامٍ وَيُوزَنُ شَعْرُهُ وَيُتَصَدَّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبٌ أَوْ فِضَّةٌ وَتُطْعَمُ الْقَابِلَةُ بِالرَّجُلِ وَ الْوَرَكِ وَ قَالَ الْعَقِيقَةُ بَدَنَةٌ أَوْ شَاةٌ (همان، ح ۶)؛

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: برای بچه عقیقه می دهند و سرش را می تراشند در وقتی که هفت روز دارد و مویش را وزن می کنند و به وزن آن طلا یا نقره صدقه می دهند و ران عقیقه را به قابله برای اطعام می دهند و فرمود: عقیقه شتر ماده یا گوسفند است» (این باب ۱۲ روایت دارد)

«قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ فَقَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ وَحَدَّهِنَّ عَلَى مَا لَا يَسْتَطِيعُ الرِّجَالُ النَّظَرَ إِلَيْهِ وَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي النِّكَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَ لَا تَجُوزُ فِي الطَّلَاقِ وَ لَا فِي الدَّمِ غَيْرَ أَنَّهُا تَجُوزُ شَهَادَتُهَا فِي حَدِّ الزَّانَا إِذَا كَانَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ وَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ. (همان، ج ۲۷، باب ۲۴، ص ۳۵۲، ح ۴)؛

راوی می گوید: از امام در باره شهادت زنان سؤال کردم، فرمود: شهادت زنان به تنهایی در آنچه که مردان نمی توانند نگاه کنند جایز است و در ازدواج، شهادت زنان به همراه مردان جایز است و در طلاق و قتل غیر از حد زنا در صورتیکه سه مرد و دو زن و یا دو مرد و چهار زن باشد، جایز نیست»

روایت: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) قُلْتُ لَهُ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي النِّكَاحِ أَوْ طَلَّاقٍ أَوْ رَجْمٍ قَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِيمَا لَا تَسْتَطِيعُ الرِّجَالُ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي النِّكَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي حَدِّ الزَّانَا إِذَا كَانَ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ وَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ فِي الزَّانَا وَ الرَّجْمِ وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي الطَّلَاقِ وَ لَا فِي الدَّمِ (همان، ح ۷)؛

راوی می گوید از امام کاظم علیه السلام در باره رضاع سؤال کردم، گفتم: شهادت زنان در نکاح و رجم جایز است؟ فرمود: شهادت زنان در آنچه مردان نمی توانند نظر کنند به تنهایی جایز است و مرد با آنها نیست و شهادتشان در نکاح به همراه مرد جایز است و شهادت آنها در حد زنا وقتی سه مرد و دو زن باشد جایز است و شهادت دو مرد و چهار زن در زنا و رجم جایز نیست و در طلاق و قتل شهادت زنان جایز نیست».

این باب ۵۲ روایت دارد. این روایات قبول شهادت زنان به تنهایی در جایی که مردان نمی توانند حضور داشته باشند را معلوم می کند.

۳-۱-۱. سنت های واجب هنگام تولد نوزاد از نظر دیگر فقها

دیگر فقها هم در این نظر با صاحب جواهر موافقت و حضور زنان را در هنگام ولادت واجب می دانند. بنا بر نظر آنان هنگام تولد بچه، افرادی که در امر تولد به مادر کمک می کنند مانند پزشک و پرستار و ... باید زن باشند، مگر وقتی که زن نباشد یا اضطرار باشد، که مردان حضور یابند، که در هر صورت حضور و بودن شوهر اشکالی ندارد، حتی با حضور زنان و در صورتی که اضطرار نباشد. از افرادی که این نظر را فرموده اند می توان آیات عظام: بهجت، تبریزی، فاضل، مکارم، سیستانی، رهبری و امام را نام برد.

۳-۱-۲. احکام و سنت های مستحب هنگام تولد نوزاد

صاحب جواهر می فرماید: آداب و سنن مستحب را صاحب شرایع شش مورد ذکر می کند، گرچه از نصوص و روایات موارد بیشتری استفاده می شود مانند پوشاندن بچه با پارچه سفید و اینکه با پارچه زرد کراهت دارد. و اما موارد ششگانه عبارتند از:

۳-۱-۲-۱. غسل نوزاد پس از تولد

اول، غسل دادن بچه به ضم غین، همانطور که ذکر اصحاب در اغسال آن را اقتضا می کند، بلکه شاید ظاهر روایت هم همین باشد. مانند روایت:

« سَأَلْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ (ع) غُسْلَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ وَاجِبٌ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ إِلَّا أَنَّهُ رُخِّصَ لِلنِّسَاءِ فِي السَّفَرِ لِقَلَّةِ الْمَاءِ وَ قَالَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْحَائِضِ إِذَا طَهَّرَتْ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْإِسْتِحَاضَةِ وَاجِبٌ إِذَا احْتَشَتْ بِالْكَرْسَفِ فَجَازَ الدَّمُ الْكَرْسَفَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ غُسْلُ النَّفْسَاءِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْمَيِّتِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ مَنْ غَسَلَ الْمَيِّتَ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْمُحْرِمِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الزِّيَارَةِ وَاجِبٌ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْبَيْتِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْحَرَمِ يُسْتَحَبُّ أَنْ لَا تَدْخُلَهُ إِلَّا بِغُسْلٍ وَ غُسْلُ الْمُبَاهَلَةِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْإِسْتِسْقَاءِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَحَبٌّ وَ غُسْلُ لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ سُنَّةً وَ غُسْلُ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ سُنَّةً لَا تَتْرُكُهَا لِأَنَّهُ يُرْجَى فِي إِحْدَاهُنَّ لَيْلَةُ الْقَدْرِ - وَ غُسْلُ يَوْمِ الْفِطْرِ - وَ غُسْلُ يَوْمِ الْأَضْحَى سُنَّةً لَا أُحِبُّ تَرْكَهَا وَ غُسْلُ الْإِسْتِخَارَةِ يُسْتَحَبُّ ». (وسائل ج ۳، باب ۱ از ابواب الاغسال المسونة، ص ۳۰۳، ح ۳).

که وجوب را حمل بر استحباب مؤکد کردند در غیر از شش غسل که واجب است و می گویند اخبار دلالت بر نفی وجوب می کنند. که البته به نظر می رسد اگر وجوب هم نگوییم حداقل بهتر است احتیاط شود.

۲-۲-۱. کلمه غسل

احتمال دارد که به فتح غین باشد. در اینجا سه موضوع مطرح شده است، ضبط کلمه غسل، حکم غسل، زمان غسل. اما نسبت به ضبط کلمه غسل: ظاهر عبارات علمای گذشته این است که غسل صحیح است و ظاهر علمای معاصر این است که غسل صحیح است؛ بنا بر اینکه غسل باشد، امر عبادی می شود که باید احکام معتبر در آن رعایت شود.

صاحب جواهر برای ضبط کلمه غسل به ضم به سه دلیل استناد می کند:

۱- ظاهر موثقه سماعه که غسل مولود در ضمن اغسال بیان شده است.

۲- ظاهر عبارات اصحاب بر غسل به ضم دلالت می کند.

۳- اصل در اوامر عبادی بودن است و این عبادیت با غسل به ضم سازگار است .

و کسانی که قائل هستند که غسل به فتح است نه به ضم، به کلام صاحب جواهر مناقشه کرده اند که غسل کردن مولود برای نظافت اوست، در نتیجه غسل به فتح صحیح است و استناد به روایت امام صادق می کنند، که فرمودند:

«إِغْسِلُوا صِبْيَانَكُمْ مِنَ الْعَمْرِ (علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۷)؛

بچه هایتان را از غمر (بوی بد) بشویید، که با غسل به فتح سازگار است».

۳-۲-۱. حکم (وجوب یا استحباب) غسل نوزاد

قول مشهور بر این است که، بلکه در غنیه ادعای اجماع بر استحباب غسل کرده است، اما صاحب جواهر قول به وجوب را به ابن حمزه نسبت داده است. به نظر می رسد آنچه مناسب است قول مشهور است که غسل مولود مستحب است و روایت موثقه سماعه هم که ظهور در وجوب دارد حمل بر مستحب مؤکد یا حمل بر معنای لغوی یعنی اصل ثبوت می شود.

۴-۲-۱. وقت غسل دادن نوزاد پس از تولد

در مورد وقت غسل دو قول است:

۱- زمان ولادت بنابر عرف

۲- جایز بودن غسل تا هفت روز

صاحب جواهر قول اول، یعنی زمان ولادت بنابر عرف را اختیار کرده است، زیرا اینگونه بیان کردند، آنچه متعارف است این است که تا بچه به دنیا می آمده است غسل داده می شد و ادله هم اطلاق دارند. اطلاق ادله هم به متعارف انصراف دارد. به نظر می رسد که قول مناسب این است و منظور از زمان ولادت همان زمان عرفی است. و می توان گفت غسل مستحب است و اول غسل و شستن و بعد غسل است، یا اینکه احتیاط همین است.

۵-۲-۱. استحباب غسل نوزاد پس از تولد

بسیاری از فقها حکم به استحباب غسل نوزاد و برخی متقدمین هم حکم به وجوب داده اند. به دلیل روایاتی مانند روایت سماعه، از امام صادق علیه السلام که فرموده اند:

« وَغُسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ (الکافی، ج ۳، ص ۴۰، ح ۲)؛

غسل مولود واجب است».

از لفظ وجوب در روایات هم وجوب و هم مستحب مؤکد اراده می شود و ممکن است مراد، مطلق ثبوت که معنی لغوی آن است باشد. جمعی از فقها زمان غسل را ساعات اولیه به دنیا آمدن بچه می دانند و عده ای معتقدند یک یا دو روز به تأخیر افتادن از زمان تولد اشکالی ندارد و به حکم آن ضرری نمی رساند. برای غسل مولود همانند غسل های دیگر قصد و نیت هم لازم است.

موضوع غسل مولود را در باب طهارت آورده اند.

صاحب جواهر در جواهر الکلام می فرماید: بنابر قول مشهور، که ادعای اجماع هم بر آن شده است، غسل دادن مولود بر ولی یا مأذون از طرف ولی، مستحب مؤکد است. (مختلف الشیعه، ج ۱، ۳۱۸). برخی هم قائل شدند که بر ولی واجب است. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۴).

در غسل دادن مولود مانند عموم غسل ها، نیت و ترتیب، لازم است. وقت غسل دادن مولود موقع ولادت بچه است. (جواهر الکلام، ج ۵، ص ۷۳؛ ج ۳۱، ص ۲۵۱).

اما برخی زمان آن را تا وقتی که به آن غسل مولود صدق کند مثل یکی دو روز بعد از ولادت هم می دانند. (عروه الوثقی، ج ۲، ص ۱۵۷).

برخی براین عقیده اند که غسل مولود مستحب است. (عروه الوثقی ۴۵۶، ۱) و اگر غسل برای مولود ضرر داشته باشد، مستحب نیست. (تحریر الوسیله ۳۱۰، ۲) و اگر دو یا سه روز به تأخیر بیافتد اشکالی ندارد. (عروه الوثقی ۴۶۵، ۱)

۳-۱. اذان گفتن در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد پس از تولد

یکی از کارهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام بعد از تولد فرزند انجام می دادند، اذان گفتن در گوش راست نوزاد و اقامه در گوش چپ بوده است.

۱-۳-۱. دلیل اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد

صاحب جواهر دلیل این کار را روایت نبوی میدانند، از جمله آنها روایت:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لِيُقِمَّ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (وسائل الشيعة، باب ۳۵، ج ۲۱، ص ۴۰۶، ح ۱)

راوی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که برایش فرزندی متولد شد باید در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه بخواند و این عمل فرزند را از شیطان رانده شده مصون می دارد.

امام صادق علیه السلام به ابن یحیی رازی فرمود:

«عَنْ أَبِي يَحْيَى الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِذَا وُلِدَ لَكُمْ الْمَوْلُودُ أَى شَيْءٍ تَصْنَعُونَ بِهِ قُلْتُ لَا أَدْرِي مَا يَصْنَعُ بِهِ قَالَ خُذْ عَدْسَةً جَاوَشِيرَ قَذِيفَهُ بِمَاءٍ ثُمَّ قَطِّرْ فِي أَنْفِهِ فِي الْمَنْخَرِ الْآيْمَنِ قَطْرَتَيْنِ وَ فِي الْآيْسَرِ قَطْرَةً وَ أَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقِمَّ فِي الْيُسْرَى يُفْعَلُ ذَلِكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تُقَطَّعَ سُرَّتُهُ فَإِنَّهُ لَا يَفْرَعُ أَبَدًا وَ لَا تُصِيبُهُ أُمُّ الصَّبِيَانِ (همان، ح ۲)

وقتی برای شما فرزندی متولد می شود چه کاری انجام می دهید؟ گفتم: نمی دانم چه انجام می دهند. فرمود: به اندازه یک عدس جاوشیر بگیری و در آب حل کن، بعد در سوراخ راست بینی دو قطره و در چپ یک قطره بریز و در گوش راستش اذان و در گوش چپ اقامه بگو، این کار را قبل از اینکه نافش را جدا کنی انجام بده، برای اینکه با این کار مبتلا به فرع یعنی از خواب پریدن و ترسیدن و مبتلا به ام صبیان یعنی بیماری صرع و غش نمی شود.

و این روایت: «وَعَنْهُ عَنْ آبَائِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَذَّنَ فِي أُذُنِ (الْحُسَيْنِ) بِالصَّلَاةِ يَوْمَ وُلِدَ (همان، باب ۳۶، ح ۷)؛

از امام رضا علیه السلام از آبائش که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در گوش امام حسین علیه السلام روزی که متولد شد اذان نماز را تلاوت نمودند».

و روایاتی که برای فتوا دادن از آن کمک گرفتند. ولی در خبر حفص کنانی از امام صادق (ع) است:

«مُرُوا الْقَابِلَةَ أَوْ بَعْضَ مَنْ يَلِيهِ أَنْ يُقِيمَ الصَّلَاةَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى فَلَا يُصِيبُهُ لَمَمٌ وَ لَا تَابِعَةٌ أَبَدًا (همان، باب ۳۵، ح ۳)؛

به قابله یا کسی که نزد اوست امر کنید که در گوش راست بچه اقامه بگوید تا هیچگاه دچار گرفتاری و جنون نگردد».

و ممکن است حمل بر رخصت کنیم یا اینکه حمل بر استحباب می شود که علاوه بر اذان در گوش راست اقامه بگوید و امر آسان است.

و این روایت: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِثْمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أُمِّي تَقُولُ سَمِعْتُ نَجْمَةَ أُمِّ الرِّضَا (ع) تَقُولُ فِي حَدِيثٍ لَمَّا وَضَعْتُ ابْنِي عَلِيًّا دَخَلَ إِلَيَّ أَبُوهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (ع) - فَنَاقَلْتُهُ إِيَّاهُ فِي خِرْقَةٍ بَيْضَاءَ فَأَذَّنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقَامَ فِي الْيُسْرَى وَ دَعَا بِمَاءِ الْفُرَاتِ فَحَنَكَهُ بِهِ ثُمَّ رَدَّهُ إِلَيَّ فَقَالَ خُذْ بِهِ فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ (همان، ح ۴)

علی بن میثم از قول پدرش نقل می کند که از مادرم شنیدم: نجمه مادر امام رضا(ع) می فرمود: هنگامی که فرزندم علی را وضع حمل کردم، پدرش امام موسی کاظم بر من وارد شد، فرزندم را درحالی که در پارچه ای سفید پیچیده شده بود به دست آن حضرت دادم، در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه گفت و قدری آب فرات طلبید و کام وی را با آب فرات برداشت و به من برگرداند و فرمود: او را بگیر که او بقیه الله در روی زمین است».

و در روایتی پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی (ع) فرمودند :

« يَا عَلِيُّ إِذَا وَلَدَ لَكَ غُلَامًا أَوْ جَارِيَةً فَأَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقِمِ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا (تحف العقول، ۱۳)

هرگاه پسری یا دختری برایت به دنیا آمد، در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه بگو، در این صورت شیطان هرگز به او گزند نمی رساند».

در این روایات، اذان و اقامه گفتن، ممکن است حمل بر رخصت (اعم از مباح و استحباب) یا براستحباب شود. بعضی از روایات هم زمان معین نکردند. ظاهر بعضی از نصوص اختصاص دارد به اینکه این کار قبل از قطع ناف مستحب است و شاید فتوا به استحباب خاطر خبر مذکور است. لیکن با اطلاق نص و فتوا منافات دارد. به خاطر اینکه دو روایت قبل از قطع ناف است، با وجود اطلاق، استحباب حتی با بعد از قطع ناف منافات ندارد، بلکه ظاهر بعضی روایات یا وجود صراحتی که دربردارنده عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام کاظم علیه السلام است، که اذان و اقامه را بعد از قطع ناف می خواندند، بلکه به هفت روز هم وارد شده است. صاحب جواهر تصریح فرمودند که امکان جمع بین روایات وجود دارد و می فرماید: «ولا بأس بالجمع و إن اختلفت غاياته، والله اعلم (جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۵۲) و جمع بین آنها اشکالی ندارد، گر چه غایات مختلف است و خدا میداند».

۲-۳-۱. استحباب اذان گفتن در گوش نوزاد از دیدگاه اهل سنت

فقهای اهل سنت هم به استحباب اذان برای مولود موافقت؛ زیرا ابو رافع روایت کرده است:

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در گوش حسن وقتی که فاطمه او را به دنیا آورد اذان گفت».

تنها در استحباب اقامه، اختلاف نظر دارند. برخی قائلند که اقامه مستحب است، به دلیل اینکه ابن عباس روایت کرده است که:

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روزی که حسن بن علی به دنیا آمد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفتند».

و مانند این را هم روایت کرده است. و برخی مستحب نبودن اقامه را گفتند، زیرا این دو حدیث نزد آنها ضعیف اند، پس بر اذان ثابت در روایت ابو رافع اکتفا کردند. (موسوعه الاطفال، ج ۱، فصل ۷ مبحث اول)

۴-۱. تحنیک (کام برداشتن) نوزاد با آب فرات

تحنیک یا کام برداشتن نوزاد با آب فرات (نهري معروف است) و تربت امام حسین علیه السلام هم به دلیل نصوص برای مولود مستحب است. اگر آب فرات نبود آب باران استفاده شود، همان گونه که در روایات آمده است.

۱-۴-۱. دلیل تحنیک نوزاد با آب فرات

صاحب جواهر می گوید: صاحب شرایع و اصحاب گفتند: آب فرات یعنی آب گوارا و نصی در این رابطه نبود و آنچه در کشف الثام فاضل هندی است - ممکن است از بعضی نصوص فهمیده شود، آب فرات بنابر احتمال عام (ماء) به خاص (الفرات) است - پوشیده نیست، نص بر آنچه گفتند، روشن نیست و این را نص ندیدم که، اگر بجز آب شور یافت نشد، در آن خرما و عسل بریزند و به نوزاد بدهند. در برخی روایات آمده است، که تحنیک کردن با خود خرما مستحب است. در فقه الرضا دارد که تحنیک با عسل، مستحب است. گرچه اشکال ندارد عسل و خرما را با آب فرات یا آب باران مخلوط و تحنیک کنند، البته می توان بین همه روایات را جمع کرد. تحنیک یعنی مقداری از آنچه گفته شد را در کام بچه بریزند. از جمله روایاتی که بر این مطلب دلالت می کند، روایات باب ۳۶ از احکام اولاد است، مانند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْتَّمْرِ فَكَذَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (و سائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۳۶، ح ۱) ؛

امام صادق علیه السلام که فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بچه های خود را با خرما تحنیک کنید، همین کار را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حسن و حسین علیهما السلام انجام دادند»

و روایت: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: يُحَنَكُ الْمَوْلُودُ بِمَاءِ الْفَرَاتِ وَ يُقَامُ فِي أُذُنِهِ (همان، ح ۲)؛

امام باقر علیه السلام فرمودند: نوزاد را با آب فرات تحنیک کنید و در گوش او اقامه بگویید».

و روایت: «از امام رضا علیه السلام است که فرمودند: وقتی نوزاد متولد شد، اگر توانستید با آب فرات یا با عسل تحنیک کنید».

همین طور روایت: «عبدالله بن عباس صاحب فرزندی شد، علی علیه السلام به خانه ی او رفت و فرمود: مولود را بیاورید. نوزاد را آوردند. امام او را گرفت و کام او را برداشت و تحنیک کرد و برای او دعا کرد و او را بر گرداند...» (ابن ابی الحدید، ج ۷ ص ۱۴۸)

صاحب جواهر می فرماید: «ما می توانیم همه احادیث را جمع کنیم و عسل و خرما را با آب فرات یا آب باران مخلوط کنیم و بچه را تحنیک کنیم (جواهر، ج ۳۱، باب ۳۶، ص ۲۵۳)

۱-۴-۲. تحنیک از دیدگاه اهل سنت

فقهای مذاهب چهارگانه بر استحباب تحنیک بچه با خرما در موقع ولادت فرزند، پسر باشد یا دختر اتفاق نظر دارند، که به فضای دهان نوزاد برسد و در صورت نبودن خرما با چیزی شیرین تحنیک کنند .

برخی علاوه بر این گفتند: مستحب است کسی که تحنیک می کند از صالحین باشد و از افراد ی که متبرک هستند باشند تا نوزاد متبرک شود. اگر هم نزد بچه نبود، نوزاد را پیش او ببرند تا تحنیک کند. (موسوعه الاطفال، ج ۱، فصل ۱)

۱-۵. نامگذاری نوزاد با یکی از اسم های نیک

از دیگر سنت های مستحب ولادت، نامگذاری نوزاد با یکی از اسماء نیک است.

۱-۵-۱. دلیل نامگذاری نوزاد با اسم های نیک

صاحب جواهر در این مورد اذعان دارد، اینکه برای فرزند یکی از اسماء نیک قرار دهند، حق فرزند بر پدر است و اینکه به نام او در روز قیامت، او را می خوانند. برترین آنها همان است که صاحب شرایع ذکر کرده است. برترین اسمی آن چیزی است که دربردارنده عبودیت خداوند سبحان و تعالی است، از جمله، عبدالله و عبدالرحمن و عبد الرحیم و مانند آن است. البته گرچه عده ای ذکر کردند، که نصی در این مورد نیافتیم و آنچه موجود است همان است که اصدق اسماء آن چیزی است، که عبودیت و بندگی خدا را در بر داشته باشد و افضل آنها، اسماء انبیاء علیهم السلام بر مولود است و تأکید بر انتخاب اسم پیش از تولد است، و اگر قبل از تولد اسمی در نظر گرفته نشود، تا روز هفتم ولادت نامگذاری انجام شود. روایاتی در این زمینه وجود دارد، از جمله روایت:

« عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ غ قَالَ: أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّيَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَفْضَلُهَا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ » (وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۲۳ از ابواب احکام اولاد، ح ۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: درست ترین اسم ها آن چیزی است که به عبودیت و بندگی خدا نامیده شود و برترین اسماء اسمهای انبیاء است.

همچنین روایت: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ: « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى مِنْبَرِهِ، أَلَا إِنَّ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ عَبْدُ اللَّهِ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَ حَارِثَةُ وَ هَمَامٌ وَ شَرُّ الْأَسْمَاءِ ضِرَارٌ وَ مَرَّةٌ وَ حَرْبٌ وَ ظَالِمٌ » (همان، باب ۲۸، ح ۵)

امام باقر در خبر جابر فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بهترین نامها عبدالله و عبدالرحمن و حارثه و همام است و بدترین نامها ضرار و مره و حرب و ظالم است»

و این روایت: «عَنْ ابْنِ حَمِيدٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ شَاوَرَهُ فِي إِسْمٍ وَلَدِهِ، فَقَالَ: سَمِّهِ بِأَسْمَاءٍ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ. فَقَالَ: أَيْ الْأَسْمَاءِ هُوَ؟ فَقَالَ: عَبْدُ الرَّحْمَنِ (الكافی، جلد ۶، ص ۱۸، ح ۵) ؛

ابن حمید از امام صادق علیه السلام سؤال کرد و در باره اسم فرزندش با آن حضرت مشورت کرد، امام فرمودند: با اسمی از عبودیت و بندگی نامگذاری کن. بعد گفت: آنها چه نام هایی است؟ فرمود: (مانند) عبدالرحمن».

اما بر هر جهت و دلیلی است، آنچه بر عبودیت شامل می شود، از جهت خضوع و اعتراف به بندگی است. اما اسماء انبیاء علیهم السلام به دلیل تبرک و تیمن است، بلکه بعید نیست، برترین آنها نام «محمد» باشد و بعید نیست ترک آن در مورد کسی که چهار فرزند دارد، کراهت داشته باشد.

همینطور روایت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ: مَنْ وَلَدَ لَهُ أَرْبَعَةَ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمَّ أَحَدَهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي (وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۲۴، ح ۲)

امام صادق علیه السلام فرمود که پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که چهار فرزند داشته باشد و یکی از آنها را به نام من نامگذاری نکند در حق من ظلم کرده است»

و در خبر سلیمان بن جعفر جعفری است، از امام کاظم علیه السلام که فرمود: «فقر به خانه ای که در آن نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر طالب یا عبدالله یا فاطمه از زنان باشد داخل نمی شود. بنابر این امکان ادعای رجحان نامگذاری زنان با اسماء شایستگان از آنها بخصوص نام فاطمه علیها السلام است».

۲-۵-۱. روایات دال بر نامگذاری قبل از تولد نوزاد

روایت، «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محسن را قبل از تولد نام گذاشت.» (کلینی، ج ۶/ص ۱۸) با روایاتی که نامگذاری تا هفت روز را دارد. مانند: «ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان در مورد مولود فرمود: مولود را در روز هفتم نامگذاری می کنند و برای او عقیقه می دهند و موی سرش را می تراشند.» (کلینی، ج ۶/ص ۲۹) منافات ندارد؛ زیرا در برخی روایات آمده است که تا روز هفتم می توان نام را تغییر داد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ پسری برای ما متولد نمی شود، مگر اینکه نام او را محمد می گذاریم، وقتی هفت روز از ولادت او گذشت، اگر خواستیم نام او را تغییر می دهیم یا باقی می گذاریم.» (کلینی، ج ۶/ص ۱۸).

البته حکمت این گونه نامگذاری این است که، اگر در نامگذاری مولود دقت شود، علاوه بر اینکه جامعه از اسامی نیک برخوردار و از اسامی ناپسند و بی معنا دور می ماند، نام نیک بر شخصیت فرد هم، اثرگذار خواهد بود.

۶-۱. قراردادن کنیه برای نوزاد

ششم: از سنن مستحب دیگر این است که برای فرزند، پسر باشد یا دختر همراه اسم برایش کنیه بگذارند.

۱-۶-۱. دلیل قراردادن کنیه برای نوزاد

صاحب جواهر می فرماید: مقصود از کنیه آن کلمه ای است که با آب یا آم شروع می شود و این به دلیل ترس از نامیدن به القاب بد است. روایات هم دلالت بر این مطلب می کنند، از جمله این روایات:

روایت: «عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَيْثَمٍ قَالَ: لِي أَبُو جَعْفَرٍ (ع) مَا تُكْتَبُ قَالَ مَا اُكْتَبْتُ بَعْدُ وَ مَا لِي مِنْ وَلَدٍ وَ لَا امْرَأَةٍ وَ لَا جَارِيَةٍ قَالَ فَمَا يَمْنَعُكَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ: حَدِيثٌ بَلَّغْنَا عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: مَنْ اُكْتَبَ لَهُ اَهْلٌ فَهُوَ أَبُو جَعْفَرٍ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) شَوْهَ لَيْسَ هَذَا مِنْ حَدِيثِ عَلِيٍّ (ع) اِنَّا لَنُكْتَبُ اَوْلَادَنَا فِي صِغَرِهِمْ مَخَافَةَ النَّبِيِّ اَنْ يُلْحَقَ بِهِمْ (وسائل الشيعه، باب ۲۷ از ابواب احکام اولاد، ح ۱)

راوی نقل می کند که امام باقر علیه السلام به من فرمود: کنیه تو چیست؟ گفت: کنیه ندارم و برای من فرزندی نیست و نه زنی و نه کنیزی و کنیه نیست، فرمود: چه چیزی از کنیه مانع شده است؟ گفت: گفتم: از حضرت علی علیه السلام رسیده است که فرمودند: کسی که کنیه دارد و برای او اهلی نیست، پس او ابو جعفر است. بعد امام باقر علیه السلام فرمودند: این زشت و بد نما است و از حدیث حضرت علی علیه السلام نیست. ما برای فرزندانمان در کودکی کنیه می گذاریم، تا لقب بد که برای آنها نگذارند».

و امام صادق (ع) فرمودند: «مِنْ السُّنَّةِ وَالْبِرِّ اَنْ يُكْتَبَ الرَّجُلُ بِاسْمِ ابْنِهِ (همان/ح ۲)؛

از سنت و نیک است که برای مردی با نام پدرش کنیه گذاشته شود»

و استحباب نامگذاری روز هفتم به طور مستفیض روایت شده، ولی بیشتر اخبار اطلاق دارند و در بعضی از روایات به نامگذاری، قبل از ولادت و در برخی به بعد از ولادت اشاره شده است.

همچنین روایت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ع) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) سَمَوْا أَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدُوا فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَوْ ذَكَرْ أُمُّ أُنْتَى فَسَمَوْهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى فَإِنْ أَسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَ لَمْ تُسَمِّوهُمْ يَقُولُ السَّقِطُ لِأَبِيهِ: أَلَا سَمَّيْتَنِي وَ قَدْ سَمَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُحَسِّنًا قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ، (همان/ باب ۲۱، ح ۱)؛

فرزندانتان را قبل از اینکه متولد شوند نامگذاری کنید، اگر نمی دانید بچه پسر است یا دختر، او را به اسمهایی که برای پسر و دختر است نامگذاری کنید. وقتی سقط شده های شما در روز قیامت شما را ملاقات کنند، و برای آنها نامگذاری نکرده باشید، بچه سقط شده به پدرش می گوید: چرا برای من نامگذاری نکردید؟ و حال آنکه پیامبر صلی الله علی و آله و سلم محسن را قبل از اینکه به دنیا بیاید، نامگذاری کرد»

و روایت: «قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (ص) سَمَوْا أَسْقَاطَكُمْ فَإِنَّ النَّاسَ إِذَا دُعُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَسْمَائِهِمْ تَعَلَّقَ الْأَسْقَاطُ بِآبَائِهِمْ فَيَقُولُونَ لِمَ لَمْ تُسَمِّوْنَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا مَنْ عَرَفْنَاهُ أَنَّهُ ذَكَرَ سَمِيْنَاهُ بِاسْمِ الذَّكَوْرِ وَ مَنْ عَرَفْنَا أَنَّهَا أَنْثَى سَمَّيْنَاهَا بِاسْمِ الْإِنْثَى أَوْ رَأَيْتَ مَنْ لَمْ يَسْتَبِينَ خَلْقَهُ كَيْفَ نُسَمِّيهِ قَالَ: بِالْأَسْمَاءِ الْمُشْتَرَكَةِ مِثْلَ زَائِدَةٍ وَ طَلْحَةٍ وَ عَنبَسَةٍ وَ حَمْزَةٍ (همان، ح ۲)

رسول خدا فرمودند: سقط شده هایتان را نامگذاری کنید، وقتی روز قیامت مردم را با اسمهایشان خواندند، سقط شده ها متعلق و وابسته به پدرشان می شوند، آنگاه می گویند: چرا برای ما نامگذاری نکردید؟ در جواب گفتند: ای رسول خدا این برای کسی است که بداند پسر است، که اسم ذکور بگذارد یا دختر است که نام دخترها را بگذارد. آیا این برای کسی معلوم می شود، پس چگونه نامگذاری کنیم؟ فرمودند: به اسماء مشترک، مانند زائده و طلحه و عنبسه و حمزه بگذارید».

شاید به همین دلیل است که مستحب است، نامیدن حمل به نام محمد، تا زمانی که به دنیا نیامده است، پس وقتی فرزند تا روز هفتم ماند، اگر خدا خواست جنسیت آن را تغییر دهد و اگر نخواست به همان نام باقی می ماند و در مورد سقط دیگر اینگونه نیست (هفت روز برایش نیست)، پس مستحب است هنگام ولادت نامگذاری شود.

و روایت «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُوَلَّدُ لَنَا وَلَدٌ إِلَّا سَمَّيْنَاهُ مُحَمَّدًا فَإِذَا مَضَى لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَإِنْ شِئْنَا غَيَّرْنَا وَ إِلَّا تَرَكْنَا (همان، باب ۲۴، ح ۱)؛

هیچ فرزندی برای ما متولد نمی شود، مگر اینکه نام او در ابتدا محمد است و پس از گذشتن هفت روز اگر خواستیم تغییر نام می دهیم و اگر خواستیم همان را می گذاریم».

بنابر روایاتی که وارد شده است، مستحب است روز هفتم اسم فرزند تثبیت گردد، که به همان نام می ماند یا بعد با تأخیر نامگذاری می شود. و در این مورد خدا عالم است. و اگر نام فرزند محمد است، کراهت دارد کنیه اش ابولقاسم باشد، به دلیل خبر سکونی از امام صادق علیه السلام است.

۲-۶-۱. روایات دال بر قرار دادن کنیه برای نوزاد

صاحب جواهر به روایات دیگر هم استناد کردند، مانند این روایت:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ بْنِ النَّبِيِّ ص نَهَى عَنْ أَرْبَعٍ كُنِيَ عَنْ أَبِي عِيسَى، وَ عَنْ أَبِي الْحَكَمِ، وَ عَنْ أَبِي مَالِكٍ، وَ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ إِذَا كَانَ الْإِسْمُ مُحَمَّداً (همان، باب ۲۹، ح ۲)؛

امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چهار کنیه نهی کردند، از ابی عیسی و ابی حکم و ابی مالک و ابی القاسم، وقتی که اسم فرزند محمد باشد».

ظاهر روایت این است که استفاده از این چهار کنیه نهی شده و کراهت شدید دارد و قید آخر یعنی کنیه ابوالقاسم در صورتی است که نام محمد باشد و سه کنیه دیگر برای تمامی نامها است.

همینطور روایت: « عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: إِنَّ رَجُلًا كَانَ يَغْشَى عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَانَ يُكْنَى أَبَا مَرَّةٍ، فَكَانَ إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ: أَبُو مَرَّةٍ فَقَالَ لَهُ عَلَى بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): بِاللَّهِ إِذَا جِئْتَ (إِلَى ثَانِيًا) فَلَا تَقُولَنَّ أَبُو مَرَّةٍ (همان، ح ۱)؛

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: مردی جوای علی بن حسین علیهما السلام شد، که کنیه او ابو مره بود. خواست از امام اجازه بگیرد، وقتی به امام میگوید ابو مره درب خانه است، ایشان فرمودند: بار دومی که آمدی نباید ابو مره بگویی».

۳-۶-۱. روایات دال بر کراهت نامیدن فرزند با برخی نام ها

همچنین نامیدن فرزند با نامهای حکم یا حکیم یا خالد یا حارث یا مالک یا ضرار، کراهت دارد، به دلیل خبر عثمان در روایت:

«عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) دَعَا بِصَحِيفَةٍ حِينَ حَضَرَهُ الْمَوْتُ يُرِيدُ أَنْ يَنْهَى عَنْ أَسْمَاءٍ يُتَسَمَّى بِهَا، فَقَبِضَ وَ لَمْ يُسَمِّهَا، مِنْهَا الْحَكَمُ وَ حَكِيمٌ وَ خَالِدٌ وَ مَالِكٌ وَ ذَكَرَ أَنَّهَا سِتَّةٌ أَوْ سَبْعَةٌ مِمَّا لَا يَجُوزُ أَنْ يُتَسَمَّى بِهَا (همان، باب ۲۸، ح ۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام احتضار، صحیفه ای خواستند که از اسمهایی که گذاشته می شود، نهی کنند، سپس رحلت کردند، بعضی از آن نامها حکم و حکیم و خالد و مالک است و یادآور شدند که آنها شش یا هفت نام است که جایز نیست کسی به آن نامها نامیده شود»

و این روایت: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: إِنَّ أَبْغَضَ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ، حَارِثٌ وَ مَالِكٌ وَ خَالِدٌ (همان، ح ۲)

امام باقر علیه السلام فرمودند: منفورترین نام ها نزد خدا حارث و مالک و خالد است»

همچنین روایت: « عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى مَنَبَرٍ، أَلَّا يَنْ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ عَبْدُ اللَّهِ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَ حَارِثَةُ وَ هَمَّامٌ وَ شَرَّ الْأَسْمَاءِ ضِرَارٌ وَ مَرَّةٌ وَ حَرْبٌ وَ ظَالِمٌ (همان، ح ۵)

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بالای منبر فرمودند: بهترین اسمها عبدالله و عبدالرحمن و حارثه و همّام و بدترین اسمها ضرار و مره و حرب و ظالم است. و غیر این نامها اشکالی ندارد».

که البته این روایت با روایتی که قبل نقل شد (حدیث ۲ همین باب) که اسم حارث را به عنوان نامهای منفور نامبرده است، تعارض دارد، که می توان رفع تعارض کرد و نهی را حمل بر کراهت کرد.

و روایت: « عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لِعَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعِينٍ -كَيْفَ سَمَّيْتَ ابْنَكَ ضُرَيْسًا - قَالَ: كَيْفَ سَمَّاكَ أَبُوكَ جَعْفَرًا قَالَ: إِنْ جَعْفَرًا نَهَرٌ فِي الْجَنَّةِ وَ ضُرَيْسٌ إِسْمُ شَيْطَانٍ (همان، ح ۶)

امام صادق علیه السلام به عبد الملک اُعین فرمودند: چطور نام پسرت را ضُرَیس نامیدی؟ گفت چطور پدر شما نام شما را جعفر نهاد؟ امام فرمودند: جعفر نام نهری در بهشت است و ضُرَیس از اسماء شیطان، بنابراین نامیدن به ضُرَیس کراهت دارد، بلکه نامیدن با هر نامی از نامها و صفات شیطان کراهت دارد».

صاحب جواهر می فرماید این اسامی منکر است، برای اینکه دربردارنده صفات مذموم است، همچنین نامیدن به صفات خالق کراهت دارد و خدا عالم است. در ادامه ایشان به لواحق ولادت می پردازد، که می تواند موضوع تحقیق دیگری باشد.

۷-۱. آثار احکام و سنت های ولادت

احکام و سنن ولادت در مولود اثراتی دارد، و در تربیت و جسم و روح او نقش دارد. در کتب مختلف به این اثرات اشاره شده است، که به برخی از آنها اشاره می شود.

۷-۱-۱. آثار اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد

در این مورد روایات زیادی وجود دارد که توصیه به این عمل شده است و پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام هم آن را انجام می دادند. همانطور که در روایات آمده است، این کار آثار تربیتی و جسمی و روحی دارد، مانند محفوظ ماندن از بیماری های عفونی، جنون، پیسی و اختلالات در خواب و... اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد باعث آرامش روحی نوزاد و در امان بودن او از شیطان می شود. البته اذان در هر جایی گفته شود، موجب می شود شیطان از آنجا دور شود. بنابر روایتی از سلیمان الجعفری که می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«أُذِنَ فِي بَيْتِكَ فَإِنَّهُ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ يُسْتَحَبُّ مِنْ أَجْلِ الصَّبْيَانِ (الكافی، ج ۳/ص ۳۰۸)

در خانه ات اذان بگو که موجب دوری شیطان می شود و برای اینکه شیطان به کودکان آسیبی نرساند، اذان گفتن در خانه مستحب و پسندیده است».

از طرفی از نظر علمی ثابت شده است، نوزاد در روز های اول تولد، بلکه پیش از تولد صدا ها را می شنود و انس پیدا می کند، مانند انس با صدای قلب مادر وقتی مادر نوزاد را در آغوش می گیرد. بنابر این اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد بی تأثیر نیست.

۷-۲. آثار کام برداشتن با تربت امام حسین «علیه السلام»

تحنیک کردن یا کام برداشتن با تربت امام حسین علیه السلام به دلیل جایگاهی که آن حضرت نزد خداوند متعال دارد، آثار روحی و معنوی بسیاری دارد. در روایات هم به آنها اشاره شده است، حتی برای شفای بیماران توصیه شده است. ذکر آب فرات هم در روایات اهمیت آن را می رساند و اینکه طعم گوارایی دارد. آب باران هم خاص و گوارا است. قابل ذکر است که، مستحب است که تحنیک و کام برداشتن نوزاد به دست افراد صالح و با تقوا و متدینین باشد که خود نوعی تیمن و تبرک است. و اینکه هنگام تحنیک برای نوزاد دعا کنند و دعای بزرگان دینی و افراد با تقوا می تواند اثرات معنوی زیادی داشته باشد. تاریخ هم

حاکی از آن است که، در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام، تحنیک نوزادان معمولاً به دست مبارک ایشان صورت می گرفته است و آنها برای نوزادان دعا می کردند.

نتیجه گیری

از آنچه بیان شد، احکام ولادت که در بدو تولد انجام میشود مشخص شد. بنابر آنچه در جواهر آمده است، احکام ولادت شامل سنن ولادت و لواحق آن است، که سنن ولادت را صاحب جواهر بنا بر نظر صاحب شرایع که یک مورد واجب و شش مورد را مستحب می داند، این گونه می فرماید:

۱- تنها زنان می توانند برای به دنیا آمدن مولود حضور داشته باشند و کمک کنند و در صورت ضرورت مردان هم می توانند و در هر صورت همسر می تواند حضور داشته باشد.

۲- غسل مولود، به ضم ، اگر برای مولود ضرر نداشته باشد، تا دو یا سه روز که به او نوزاد بگویند اشکالی ندارد.

۳- اذان گفتن در گوش راست و اقامه در گوش چپ قبل از اینکه ناف نوزاد را قطع کنند.

۴- تحنیک مولود با آب فرات و یا با تربت امام حسین علیه السلام و اگر آب فرات نبود آب باران و یا با غسل و خرما و افضل می تواند جمع اینها باشد.

۵- نامگذاری با بهترین اسمها صورت گیرد، که اصدق اُسماء، شامل نامهایی می شود که حاکی از عبودیت خدا است و افضل آنها اُسماء انبیاء و بهترین آنها اسم پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله و سلم (محمد) است.

۶- کنیه قرار دادن برای مولود، برای اینکه دیگران کنیه بد نگذارند. در صورتی که نام، محمد است، قراردادن کنیه ابوالقاسم کراهت دارد.

۷- نوع و کیفیت برخی از این آدای و سنن، ممکن است برای ما واضح نباشد، اما با توجه به سیره معصومین علیهم السلام تأثیر جسمی و روحی آنها بر کودک قابل توجه و انکار ناپذیر است و این حقیقت با پیشرفت علم، ثابت و روشن شده است.

در مورد احکام ولادت، علاوه بر صاحب جواهر، دیگر فقها با اندکی تفاوت در مورد غسل مولود بین وجوب و استحباب نظرات خود را فرمودند و در باقی موارد احکام ولادت همه فقها، هم عقیده هستند.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن
- ۲- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، السائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ چاپ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- ۳- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین؛ من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- ۴- ابن فارس، احمد؛ معجم مقائیس اللغة، چاپ ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۵- إربلی، علی بن عیسی (معروف به بهاءالدین إربلی)؛ کشف الغمه، چاپ رسولی محلاتی، بیروت، ۱۴۰۱ق.
- ۶- اصفهانی (فاضل هندی)، محمد بن حسن؛ کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ۷- بحرانی، یوسف بن أحمد؛ الحدائق الناضرة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۵ق.
- ۸- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ ۱، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰.
- ۹- حائری طباطبایی، سید علی بن محمد؛ ریاض المسائل، چاپ ۱، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۸.
- ۱۰- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- ۱۱- حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن؛ شرایع الإسلام فی مستئنا الحلال و الحرام، چاپ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- ۱۲- خمینی، سید روح الله؛ تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، [بی تا].
- ۱۳- _____؛ استفتائات، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالعلم- الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- ۱۵- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی مع التعليقات، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۳ق.
- ۱۶- _____؛ العروه الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
- ۱۷- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ مسالک الافهام إلی تنقیح شرایع الإسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- ۱۸- فاضل لنکرانی، محمد جواد؛ موسوعه احکام الأطفال و ادلتها (مقارنه تفصیلیه بین مذهب الامامیه و المذاهب الاخری)، مرکز فقه الأئمه الأطهار علیهم السلام.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ق.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- ۲۱- نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، چاپ ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲۲- نیسابوری، مسلم بن الحجاج؛ صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، [بی تا].

۲۳- نوری، میرزاحسین؛ مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۸ ق .

نرم افزارها و سایت ها

مدرسه فقاہت

مکتبه اهل البيت عليهم السلام

مرکز القائمیه